

جنبش کارگری ایران اگر نیازی داشته باشد تشکل و سازمانیابی است

رضا مقدم

مهمترین مسائل جنبش کارگری است. شوراهای اسلامی که به عنوان نماینده کارگران در شورایی عالی کار شرکت می کنند، این بار تبلیغات زیادی حول میزان افزایش دستمزدی که می خواستند براه انداختند و کوشیدند که خود را سازش ناپذیر جلوه دهند. اما نه کارگران، نه کارفرماها و نه دولت هیچکدام شوراهای اسلامی و تبلیغات آنرا جدی نگرفتند. چرا که همه اینها تشکلی را جدی می گیرند که برای رساندن کارگران به خواستشان به ابزارهای همیشگی جنبش کارگری اتکا کند یعنی کارگران را به خیابان بیاورد و به اعتصاب بکشاند. شوراهای اسلامی تشکل کارگران نیستند و در میان کارگران پایگاهی ندارند. شوراهای اسلامی مطابق وظایف مصوب خود حتی قانونا نیز حق ندارند کارگران را به مبارزه بکشاند. با مباحث و جنب و جوشی که در میان جنبش کارگری برای ایجاد تشکلهای کارگری در جریان است شوراهای اسلامی به عبث می کوشند تا جایی در میان کارگران پیدا کنند.

در سال گذشته همچنین شاهد اعتراض انجمن صنفی کارگران سقز به تعیین دستمزدشان توسط فرمانداری بود. خبازان سقز خواهان افزایش دستمزد و شرکت نمایندگان کارگر برای تعیین دستمزدها شدند و طی اطلاعیه ای آنرا به اطلاع عموم رساندند. پانزده تشکل کارگری از اقصی نقاط ایران با انتشار اطلاعیه هایی از خواست خبازان سقز اعلام کردند. با آنکه عمل امید بخش این تشکلهای کارگری غیر دولتی را باید در وقایع سال گذشته جنبش کارگری به ثبت رساند اما این مبارزات تا تبدیل شدن به شاخصی برای ارزیابی جنبش کارگری هنوز فاصله دارد.

جنبش کارگری ایران اگر نیازی داشته باشد تشکل و سازمانیابی است. طبقه کارگر ایران نسبت به مطالبات خود آگاه است تنها نیاز به تشکل دارد تا برای آنها مبارزه کند. در سالهایی که دیگر اقشار تحرکی نداشتند و گورستان سکوت بر ایران حاکم بود، اعتراض کارگری بخودی خود شاخصی بود از تسلیم نشدن طبقه کارگر به رژیم و شوراهای اسلامی. کم نبودند فعالین جنبش کارگری و انقلابیونی که بدلیل پنخس خبر مبارزه و اعتصاب کارگران دستگیر و شکنجه شدند. چرا که خود خبر اعتراضات و اعتصاب کارگری و تعداد آن برای همه مخالفان رژیم اسلامی مایه امید بود. دیگر چنین نیست. امروز مهمترین شاخص پیشرفت جنبش کارگری را باید درجه تشکل و سازمان یافتگی آن دانست. *

سال گذشته را نیز کارگران پر از اعتراض و مبارزه پشت سر گذاشتند. همانند سال قبل تر بیشترین مبارزه را کارگران نساجی انجام دادند. بسیاری از کارخانجات این صنعت که با ورشکستگی روبرو هستند، قادر نیستند دستمزد کارگران را بپردازند و کارگران بعضا نزدیک به یکسال است که حقوق خود را دریافت نکرده اند.

مجلس زیر فشار اعتراضات شدید کارگران لایحه بازسازی و نوسازی صنایع نساجی را تصویب کرد که در آن هم دولت موظف شد تا بودجه ای را برای نوسازی این صنایع اختصاص دهد و هم دست کارفرماها را باز گذاشت تا کارگران را اخراج کنند. کارگران نساجی با وجود همه روشهایی که برای اعتراض خود در پیش گرفتند از جمله تجمع اعتراضی در مقابل مجلس اما بعلت فقدان یک تشکل سراسری کارگران نساجی مثل اتحاد سراسری شوراهای کارگران نساجی نتوانستند یک مبارزه یکپارچه را علیه دولت و کارفرماها سازمان دهند.

مجلس همچنین لایحه بخشودگی مالیاتی را تصویب کرد که از ابتدای سال ۸۰ شامل حال صاحبان صنایع شد اما برای کارگران عطف به ماسبق نشد و از ابتدای سال ۸۱ شامل حال کارگران میشود. بعلاوه سال گذشته مجلس بر اساس مصوبه مجلس پنجم که کارگاه های ۵ نفره و به پائین را از شمول قانون کار حذف کرده بود، کل کارگران قالبیاف را شامل آن مصوبه دانست و بدین ترتیب به بی حقوقی میلیونها کارگر قانونیت داد.

در دیماه سال گذشته شوراهای اسلامی خود را نماینده کارگران جا زدند و با حضور نماینده سازمان جهانی کار اولین پیمان دسته جمعی پس از انقلاب را با کارفرماها امضا کردند. واضح است که کارگران چنین پیمانی را برسمیت نمی شناسند و مبارزه برای خواستههای خود را ادامه خواهند داد.

مانند هر سال تعیین حداقل دستمزد توسط شورایی عالی کار یکی از

به نقل از

بارو

شماره ششم، فروردین ۱۳۸۱ (مارس ۲۰۰۲)

ماهنامه اتحاد سوسیالیستی کارگری
www.wsu-iran.org